

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۴۷۷-۴۸۸

جایگاه تولید علم از منظر قرآن کریم و روایات

علی خواجویی باز مانده^۱

اعظم ملکوتی فر^۲

علی ابوسعیدی منوچهری^۳

سجاد شاه ملکی^۴

چکیده

علم و تولید علم همواره به عنوان یک دغدغه فکری برای جامعه بشری محسوب می شود؛ قرآن کریم در بسیاری از آیات اشاره عمیقی به علم و تولید آن دارد که کمتر اشاره ای به آن شده است؛ از نظر آموزه های قرآن، هر علمی که به منظوری از منظوره های فردی یا اجتماعی اسلام کمک می دهد و ندانستن آن، سبب زمین خوردن آن منظور می گردد، آن علم را اسلام توصیه می کند و هر علمی که در منظوره های اسلامی تاثیر ندارد و اسلام درباره آن علم، نظر خاصی ندارد و هر علم که تاثیر سوء دارد با آن مخالف است. هدف از این تحقیق بررسی جایگاه تولید علم از منظر قرآن کریم و روایات است، روش پردازش اطلاعات تحلیلی - توصیفی و طریقه گردآوری اطلاعات آن اسنادی - کتابخانه ای می باشد. نتیجه آنکه: در آیات و روایات متعدد اسلامی به ثمرات و ویژگی های بسیار والای علم و علم آموزی اشاره شده است؛ مثلاً گفته شده که علم هدف آفرینش جهان، یکی از اهداف بعثت انبیاء، وجه تمایز بشر، یکی از لوازم مدیریت و رهبری، سرچشمه ایمان و تقوا و خداترسی و قدرت و ... است. به همین خاطر می بینیم که پیشوایان دینی ما هیچ محدودیت جنسیتی، زمانی و مکانی را به عنوان بهانه ای برای ترک تحصیل دانش نمی پذیرفتند؛ مثلاً از حضرت علی(ع) روایت شده که فرموده دانش را حتی از مشرکین نیز فرا بگیرید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، روایات، تولید علم، جایگاه.

^۱ - کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، مدرس گروه معارف دانشگاه آزاد بردسیر، دبیر تاریخ، ایمیل:

Ali khajouei@yahoo.com

^۲ - کارشناسی ارشد مدیریت دولتی از دانشگاه آزاد کرمان، مربی پرورشی مدرسه تیز هوشان متوسطه دوره دوم کرمان، ایمیل:

Fati.frzn75@gmail.com

^۳ - فوق لیسانس فرهنگ و زبان های باستانی از دانشگاه آزاد جیرفت، دبیر تاریخ، ایمیل: Chehretarikh@gmail.com

^۴ - فوق لیسانس مدرسی معارف، گرایش انقلاب اسلامی از دانشگاه بوعلی سینا، طلبه سطح ۳ حوزه علمیه قم، ایمیل:

shahmlkysjad59@gmail.com

مقدمه

موضوع علم و آگاهی در میان انسانها از اهمیت والایی برخوردار است، و کثرت و فراوانی آیات قرآن درباره ی علم و مشتقات و مترادفات آن که افزون بر هزار آیه، یعنی یک ششم قرآن می باشد، دلیل بر اهمیت و درخشندگی این موضوع است. در مکتب تابناک اسلام علما و دانشمندان از مقامی بس عظیم برخوردار و با اوصافی متعالی ستوده شده اند که بعد از پیامبران و امامان (ع) کسی را یاری برابری درشان و مرتبه با آنان نیست، آموزه های قرآنی و سنت معصومان علیهم السلام، سهم به سزایی در شکوفایی علم و دانش داشته اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در دعوت خویش به پیروی کورکورانه و جهل تکیه ننمود بلکه تعالیم وی لبریز از جهل ستیزی و دعوت به تفکر، علم آموزی، تعقل و تلاش فکری است. خداوند متعال در جای جای قرآن کریم به دانش و فراگیری آن ترغیب نموده است چنان که در نخستین آیات نازل شده، شناخت و دانش محور اصلی آنهاست. علم در قرآن به معنای شناخت و معرفت و درک اشیا و یا حکم به وجود چیزی و یا نفی حکمی از چیزی است. علمی که جنبه ی روحانیت و معنویت بشر را تکمیل نماید و او را از تاریکی برهاند و به جاده فضیلت و تکامل رهبری کند، علم مورد ستایش قرآن است، و مهمترین این علوم عبارتند از: علم به کتاب الله، علم به احادیث، علم کلام و علم به احکام شرعی و اخلاقی، هرچند نمی توان منکر علمی، همچون علوم تجربی شد. علامه طباطبایی در این باره می نویسد: قرآن مجید به تعلّم علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالأخره همه علمی که در دسترس فکر انسانی است و تعلّم آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می باشد دعوت می کند به این شرط که به حق و حقیقت رهنما گردند و گرنه علمی که انسان را سرگرم خود ساخته و از شناختن حق و حقیقت باز دارد در قاموس قرآن مجید با جهل مرادف است. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۹۴)

۱- مفهوم شناسی

تعریف لغوی و اصطلاحی علم

الف) علم در لغت

علم در لغت به معنای، «دانستن، یقین کردن، دریافتن»، می باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، صص ۱۶، ۲۵)

ب) معنای اصطلاحی علم

۱- تعریف اصطلاحی علم از منظر استاد جوادی آملی

«... علم از آن رو که علم است الهام الهی است و از جانب او افاضه می شود... و کار بشر فراهم کردن شرایط و زمینه برای حصول این تعلیم و افاضه است و لذا عالی ترین علم آن است که مستقیماً از نزد خدا حاصل شود؛ یعنی همان علم لدنی و جایگاه و مرتبهٔ چنین علمی بسیار بیشتر است». (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵)

۲- تعریف اصطلاحی علم از منظر آیت الله مصباح یزدی

«علم مجموعه مسائلی تشکیل شده از موضوع و محمولند که موضوعات آن ها زیر مجموعه یک موضوع واحدند، و پاسخی برای اثبات یا نفی می طلبند. هر تلاشی در این راه، تلاشی از سنخ آن علم به شمار می رود، و منبع یا روش در آن نقشی ندارد، بلکه شامل فقاقت در فقه، تفلسف در فلسفه، و تحقیق و پژوهش علمی در علوم می شود.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، صص ۸۰، ۱۰۴).

۲- ارزش علم از منظر اسلام

۲-۱- علم و دانش هدف آفرینش جهان

در قرآن کریم علم و دانش هدف آفرینش جهان معرفی شده است؛ می فرماید: **اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛** (طلاق / ۱۲)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آن ها را، فرمان او تدبیرا او در میان آنها پیوسته فرود می آید، تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و این که علم خدابه همه چیز احاطه دارد. این آیه به وضوح این حقیقت را می رساند که یکی از اهداف آفرینش جهان آگاه ساختن انسان ها از علم و قدرت خداوند و معرفت ذات و صفات او است. (مکام شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۲) خداوند انسان ها را نسبت به آموختن علم از انبیا و حجت های الهی امرنموده و فرموده است: **«وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛** (سوره انبیاء/ ۷) ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می کردیم، نفرستادیم! پس اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید. آیات کریمه ای علاوه بر بلندی جایگاه علم و علم آموزی، گویای آن است که تعلیم بر انبیا و آموختن علم بر امت های آنان واجب است. زیرا وقتی که علم آموزی هدف بعثت باشد، اگر پیامبران از این امر کوتاهی کنند، به وظیفه رسالتشان عمل نکرده اند و چنین تقصیری در باره انبیا محال است زیرا آنان معصوم بوده و ابداً از انجام رسالت الهی خود کوتاهی نمی کنند. به علاوه این که چنین اهمالی، اگر ممکن باشد، نستجیر بالله - نشانگر ضعف خدا در انتخاب رسولان می باشد و این نیز محال است. لذا بر پیامبران واجب است که آن چه مورد نیاز بشر و تأمین کننده سعادت آنان است، به آنان تعلیم نمایند. بر انسان ها نیز واجب است که از پیامبران (ع) علم بیاموزند و به مقتضای آن عمل کنند، زیرا اگر آموختن بر آنان واجب نباشد، وجوب تعلیم بر انبیا لغو می شود و خداوند حکیم کار لغو نمی کند. در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر وجوب طلب علم تأکید بسیار شده است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: **طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛** (کلینی، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱) علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است. چنین تأکیدی بر آموزش علم در حد فریضه ای دینی، نشانگر اهتمام ویژه اسلام به علم و دانش و زدودن جهل و نادانی از مردم است. با توجه به مضمون حدیث شریف، تعلّم و دانشجویی بر هر مسلمانی فرض و واجب است و این فرض اختصاص به طبقه، گروه، صنف یا جنس خاصی ندارد هر آن کس که مسلمان باشد باید در پی علم رود.

۲-۲- علم و خلافت الهی

قرآن کریم جریان خلقت حضرت آدم (ع) و مقام خلیفه الهی او را بیان کرده است که در این آیات، نکات بسیار مهمی در زمینه جایگاه علم و علم آموزی و مقام معلم و متعلم وجود دارد. **وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا**

لا تَعْلَمُونَ؛ (بقره / ۳۰) به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا!» آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.» وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ (بقره/۳۱) سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسمی اینها را به من خبر دهید!» قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ (بقره / ۳۲) فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم تو دانا و حکیمی.»

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ (بقره/۳۳) فرمود: «ای آدم! آنان را از اسمی (و اسرار) این موجودات آگاه کن.» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را میدانم؟! و نیز میدانم آنچه را شما آشکار میکنید، و آنچه را پنهان میداشتید!» وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ (بقره / ۳۴) و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

۳- جایگاه و ارزش علم از منظر قرآن کریم

در رابطه با ارزش علم را در تعالیم اسلامی می‌توان از این حقیقت قرآنی دریافت که دعوت اسلام با دعوت به علم آغاز شده است. خداوند متعال در جای جای قرآن کریم به دانش و فراگیری آن ترغیب نموده است چنان که در نخستین آیات نازل شده، شناخت و دانش، محور اصلی آنهاست؛ در نخستین آیات سوره علق می‌فرماید: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾ بخوان به نام پروردگارت که آفرید؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿۲﴾ انسان را از علق آفرید؛ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿۳﴾ بخوان و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است؛ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿۴﴾ همان کس که به وسیله قلم آموخت؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿۵﴾ آنچه را که انسان نمی‌دانست [بتدریج به او] آموخت. (سوره علق آیات ۱-۵). علم در قرآن به عنوان وجه ممیزه بشر و معیار برتری انسان دانسته شده است؛ چنانکه می‌فرماید: قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ (سوره بقره / ۳۳) فرمود: ای آدم! آنان را از اسمی [و اسرار] این موجودات آگاه کن. هنگامی که

آدم آنان را آگاه کرد خداوند فرمود: آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان ها و زمین را می دانم؟! و می دانم آنچه را شما آشکار می کنید و آنچه را پنهان می داشتید.

۳-۱- علم سرچشمه ایمان و تقوا

آموزه های اسلامی به ما یاد می دهند که علم، سرچشمه ایمان است و پیوند محکمی با آن دارد. قرآن کریم در آیات متعددی از یک سو - مثلا در آیه ۶ سوره سبأ - می فرماید: وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (سوره سبأ / ۶) کسانی که به ایشان علم داده شده، می دانند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است و به راه خداوند توانا و ستوده هدایت می کند. از سوی دیگر می فرماید: قُلْ أَمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (سوره اِسراء/ ۱۰۷) بگو [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید بی گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته اند چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده کنان به روی درمی افتند؛ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (سوره اِسراء/ ۱۰۸) و می گویند منزه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است. ایمان تنها ثمره علم نیست و این ودیعه الهی ثمرات دیگری چون تقوا و خداترسی نیز دارد. در این باره قرآن کریم می فرماید: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (سوره فاطر/ ۲۸) (تنها از میان بندگان او دانشمندان خداترسند خداوند توانا و آمرزنده است). این تعابیر به خوبی نشان می دهد که تبیین آیات مقدمه ای برای آگاهی است و آگاهی وسیله ای برای تقوا. مسلماً هر جا «علم» هست، الزاماً «تقوا» نیست چرا که عالم بی عمل نیز پیدا می شود ولی بدون شک علم مقدمه و زمینه ای است برای تقوا و از سرچشمه های اصلی آن محسوب می شود. علم غالباً تقوا را همراه می آورد. علمی که سرچشمه ایمان است سرچشمه تقوا نیز خواهد بود و به عکس جهل غالباً عامل بی تقوایی و ناپرهیزگاری است (مکارم شیرازی/ ۱۳۸۶ / ۱/ ۷۶)

۳-۲- سبب رفعت مقام و جایگاه عالم

نکته دیگری که در آیات وجود دارد و حاکی از بلندی جایگاه علم و تعلیم و تعلم است، سجده ملائکه بر آدم (ع) به سبب برتری او از حیث علم است. بعد از آن که خداوند متعال علم اسما یعنی تمام علوم لازم برای خلیفه الهی را به حضرت آدم (ع) آموخت و از ملائکه خواست که از آن علوم و اسما خبر دهند و آنان گفتند: قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ (سوره بقره/ ۳۲) فرشتگان عرض کردند: منزهی تو!، ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم تو دانا و حکیمی. خداوند به حضرت آدم (ع) دستور داد که از آن علوم به ملائکه بیاموزد: قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ (سوره بقره/ ۳۳) فرمود ای آدم آنها را از (اسامی و اسرار) این موجودات آگاه کن، هنگامی که آنها را آگاه کرد خداوند فرمود: نگفتم من غیب آسمانها و زمین را میدانم، و نیز میدانم آنچه را

شما آشکار می‌کنید یا پنهان می‌داشتید. و حضرت آدم (ع) در مقام معلمی ملائکه از آن اسما به ملائکه آموخت و در نتیجه عالم‌تر بودن آدم (ع) از ملائکه به اثبات رسید، لذا خداوند به ملائکه دستور داد بر آدم (ع) سجده کنند: *وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ*؛ (سوره بقره/۳۴) و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده و خضوع کنید، همگی سجده کردند جز شیطان که سر باز زد و تکبر ورزید (و به خاطر نافرمانی و تکبر) از کافران شد! سجده بالاترین مظهر تواضع و تسلیم است. یعنی ملائکه موظف شدند که تسلیم آدم (ع) باشند و طبق آیات قبل مکلف شدند علم را از حضرت آدم (ع) علم بیاموزند. لذا خدا همه انبیا را معلم بشر دانسته و بر تمام بشر واجب کرده که آنان علم و حکمت بیاموزند و از دستورات آنان اطاعت کنند تا به سعادت دنیوی اخروی نایل شوند *رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ*؛ (بقره/۱۲۹) پروردگارا در میان آنان فرستاده ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند زیرا که تو خود شکست ناپذیر حکیمی (۱۲۹)

۳-۳- علم از لوازم مدیریت و رهبری

در گفتمان اسلامی، علم و دانش همیشه به عنوان یکی از لوازم مدیریت و رهبری شناخته می‌شود. در سوره یوسف و در گزارشی که از سرگذشت این پیامبر الهی در قرآن شده است، می‌خوانیم که وقتی مقام مهمی در حکومت به آن جناب پیشنهاد شد، ایشان چنین فرمودند: *اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ*؛ (یوسف/۵۵) [یوسف گفت:] مرا سرپرست خزاین سرزمین [مصر] قرارده، که من نگاهبانی آگاهم. همچنین در داستان بنی اسرائیل می‌خوانیم هنگامی که آمادگی خود را برای پیکار با پادشاه ظالمی به نام «جالوت» که آنها را در به در ساخته بود به پیامبر عصر خود اعلام و از او تقاضا نمودند رهبر و فرماندهی برای آنان برگزینند تا تحت فرمان او با جالوت ستمگر پیکار کنند، پیامبرشان چنین گفت: *إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ*؛ (بقره/۲۴۷) خداوند طالوت را برای زمام داری شما برگزیده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند با این که ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده و او را در دانش و توانایی جسمانی، فزونی بخشیده است. خداوند ملکش را به هر کس بخواهد می‌بخشد؛ و احسان خداوند گسترده است و [از لیاقت افراد] آگاه است. طالوت که به زمام داری بنی اسرائیل برای رسالت مهمی، یعنی پیکار با یک پادشاه مقتدر ظالم برگزیده شد، یک نفر روستایی زاده بود که در یکی از دهکده‌ها در ساحل رودخانه ای به صورت گمنام می‌زیست و چهارپایان پدرش را به چرا می‌برد و کشاورزی می‌کرد! اما قلبی آگاه و جسمی نیرومند داشت و شناخت و معرفت او نسبت به مسایل بسیار دقیق و عمیق بود. سران بنی اسرائیل اعتراض کردند که با وجود ما که افراد ثروتمند سرشناس بنی اسرائیلیم طالوت شایستگی این مقام را ندارد، پیامبر الهی به این سخنان اعتنا نکرد و گفت: «این یک انتخاب الهی است و همه شما باید در برابر آن تسلیم باشید». این دو آیه به

خوبی نشان می دهد که علم و آگاهی و معرفت از اساسی ترین عناصر رهبری و زمامداری و مدیریت است. (مکارم شیرازی / ۱۳۸۶/۱/۷۲ و ۷۳)

۳-۴- علم سرچشمه قدرت

علاوه بر ایمان و تقوا، در سپهر معارف دینی علم سرچشمه قدرت دانسته شده است. لذا تولید و رشد علم در جامعه اسلامی سبب اقتدار آن خواهد شد. در این رابطه قرآن کریم چنین می فرماید: قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ؛ (نمل/۴۰) کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود گفت من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می آورم پس چون [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید گفت این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می کنم و هر کس سپاس گزارد تنها به سود خویش سپاس می گزارد و هر کس ناسپاسی کند بی گمان پروردگارم بی نیاز و کریم است. این آیه مربوط به داستان سلیمان (علیه السلام) و ملکه سبا است هنگامی که می خواست تخت او را نزد خود آورد، نخست یکی از سران زورمند جن پیشنهاد کرد که من پیش از آن که از این مجلس برخیزی آن را برای تو می آورم، ولی آن مرد که علم کتاب داشت (وزیر سلیمان، آصف بن برخیا) و این علم و آگاهی به او امکان می داد که دست به کارهای خارق عادت زند، گفت: من تخت او را پیش از آن که چشم برهم زنی نزد تو خواهم آورد، و سرانجام چنین کرد، و سلیمان (علیه السلام) سپاس خداگفت که چنین دوستان و یاورانی دارد. این آیه هرچند در مورد خاصی وارد شده؛ ولی نمونه بارزی از اقتدار است که منشا آن علم می باشد و اجمالا رابطه علم و قدرت را به خوبی آشکار می سازد و تشویق و ترغیبی است برای کسب علم بیشتر. (مکارم شیرازی / ۱۳۸۶/۱/۷۹)

۴- جایگاه و ارزش علم از منظر روایات

۴-۱- علم سبب اطاعت پذیری

از حضرت علی (علیه السلام) نیز روایت شده است که فرمود: أَعْظَمُ النَّاسِ عِلْمًا أَشَدَّهُمْ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ؛ (تمیمی آمدی / ۱۴۱۰ق/ص ۲۰۲) آن کس که علمش از همه بیشتر است خدا ترسی اش از همه شدیدتر است.

۴-۲- علم مهم ترین شاخصه مدیریت

امام صادق (علیه السلام) در اشاره به این تأثیر و کارکرد علم و دانش می فرماید: أَلْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ وَالْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى الْمُلُوكِ؛ (مجلسی / ۱۴۰۲ق/۱/۱۸۳) زمام داران بر مردم حکومت می کنند و دانشمندان بر زمام داران.

۴-۳- علم منشأ قدرت

از حضرت علی(علیه السلام) روایت شده است که فرمود: الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٍ عَلَيْهِ؛ (ابن ابی الحدید/ ۱۴۰۴ق/ ۳۱۹/۲۰) دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند.

۴-۴- عدم محدودیت زمانی و مکانی برای علم آموزی

۴-۴-۱- عدم محدودیت زمانی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ؛ (حرعاملی/ ج ۲۷، ص ۲۶، ح ۳۳۱۱۵) آگاه باشید که خداوند کسانی که بیش از حد طلب علم می کنند را دوست دارد.» «بغاة» جمع بغی به معنای «طلب توأم با تجاوز از حد» (قرشی بنابی، ۱۳۰۷، ج ۱، ص ۲۰۷) است. بدیهی است که تجاوز از حد در هر چیزی مذموم است مگر در علم آموزی. منظور این است که علم حد بردار نیست و ایستایی در آن راه ندارد و هیچگاه نمی توان به نهایت و پایان علم دست یافت؛ بنابر این اگر چه هر مقدار که علم آموزی محبوب خداوند است ولی قطعاً کسانی که تلاش بیشتری در این مسیر دارند، محبوب ترند.

در روایات دیگر می فرماید: اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد؛ (حاجی خلیفه، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۷۸) در همه عمر از گهواره تا گور در جستجوی علم باشید یعنی دانش مقطع خاص و زمان معین ندارد.

۴-۴-۲- عدم محدودیت مکانی

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمودند: « اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ وَ هُوَ عِلْمٌ مَعْرِفَةُ النَّفْسِ وَ فِيهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ » (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ح ۵۵، ص ۱۷۷) دانش را بیاموزید و لو در چین. این دانش معرفت نفس است که از او معرفت خداوند حاصل می شود. یعنی این که اگر دست یابی به دانش مستلزم این باشد که به دورترین نقاط جهان مانند چین سفر کنید. ظاهراً علت این که نام چین برده شده یا به این علت بوده که چین به عنوان دورترین نقاط جهان بوده یا این که چین مرکز علم و دانش و صنعت آن زمان بوده است.

همچنین امام علی علیه السلام می فرماید: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ؛ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ؛ (نهج البلاغه، حکمت ۸۰) حکمت گمشده مومن است پس به دنبالش بروید و لو آن که آن را در نزد اهل نفاق باشد. آن چنان که از این تعبیر استفاده می شود علم فریضه ای است که نه از لحاظ دانشجو و نه استاد و نه از حیث زمان و مکان محدودیت ندارد و این عالی ترین و بالاترین توصیه ای است که می توانسته انجام شود. (مطهری، ۱۳۹۶،

۴-۵- شرافت علم

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در بیان شرافت علم می فرماید: كَفَى بِالْعِلْمِ شَرَفًا أَنْ يَدَّعِيَهُ مَنْ لَا يُحْسِنُهُ وَيَفْرَحَ إِذَا نُسِبَ إِلَيْهِ وَ كَفَى بِالْجَهْلِ ذَمًّا يَبْرَأُ مِنْهُ مَنْ هُوَ فِيهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۸۵) در شرافت علم همین بس که افرادی که از آن آگاه نیستند آن را ادعا می کنند و اگر به آنان نسبت داده شود خوشحال می شوند. و در مذمت جهل همین بس که حتی دارندگانش از آن تبری می جویند.

امام حسین (علیه السلام) نیز در بیانی جایگاه علم آموزی می فرماید: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَاسِوَاهُ؛ (همان، ج ۵، ص ۳۱۲) ای مردم! خداوند متعال بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند، هنگامی که او را شناختند او را عبادت می کنند، و هنگامی که عبادتش کردند از بندگی غیر او بی نیاز می شوند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز در بیانی به قیمت یافتن آدمی به واسطه علم اشاره می کند و می فرماید: «أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا؛ (همان، ج ۱، ص ۱۶۴) آن کس که علمش از همه افزون تر باشد قیمتش از همه بیشتر است و آن کس که علمش از همه کمتر باشد قیمتش از همه کمتر.

نتیجه گیری

آموزه های قرآنی و سنت معصومان علیهم السلام، سهم به سزایی در شکوفایی علم و دانش داشته اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در دعوت خویش به پیروی کورکورانه و جهل تکیه ننمود بلکه تعالیم وی لبریز از جهل ستیزی و دعوت به تفکر، علم آموزی، تعقل و تلاش فکری است. در رابطه با ارزش علم را در تعالیم اسلامی همین بس که دعوت اسلام با دعوت به علم آغاز شده است. خداوند متعال در جای جای قرآن کریم به دانش و فراگیری آن ترغیب نموده است چنان که در نخستین آیات نازل شده، شناخت و دانش، محور اصلی آنهاست. از این گذشته اسلام از آن روی که خواهان ایمان مبتنی بر شناخت است محور بیش تر آیات عصر دعوت درباره اعتقادات است و اساس اعتقادات مبتنی بر دانایی و شناخت است. دیگر آن که روی سخن خداوند همواره با آنان است که از دانایی بهره ای دارند، از این روی مومنان باید بدانند که در کسب دانایی چه مسئولیتی سنگینی را بر دوش دارند

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

کتاب های فارسی

جوادی آملی، عبد الله، **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰.

دهخدا، علی اکبر، و محمد معین و جعفر شهیدی، **لغت نامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش

طباطبایی، سید محمد حسین، **قرآن در اسلام**، قم: انتشارات بوستان کتاب قم، ۱۳۸۷ش.

مصباح یزدی، محمد تقی، **رابطه علم و دین**، تحقیق و نگارش علی مصباح، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۲.

مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن**، ج ۱، چاپ نهم، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.

مطهری، مرتضی، **بیست گفتار**، تهران: موسسه انتشارات صدرا، ۱۳۹۶ش

کتاب های عربی

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، **شرح نهج البلاغه**، ج ۲۰، چاپ اول، مصحح: ابراهیم، محمد، ابوالفضل، قم: انتشارات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الحکم**، چاپ دوم، مصحح و محقق، سید مهدی رجائی، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲۷، قم: انتشارات موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ق.

حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، **کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون**، ج ۱، ترجمه یوسف بیگ باباپور، تهران: انتشارات سفیر اردهال، ۱۳۹۳ش.

قرشی بنابی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۱، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۰۷ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، کتاب فضل العلم، ج ۱، ح ۱، بیروت، انتشارات: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، چاپ دوم، ج ۱، بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی،
۱۴۰۲هـق، ص ۱۸۳.
